

Islamic Economics Studies Vol.11, No.1, (Serial 21), Autumn 2018 & Winter 2019

Estimating the Function of Expenditures in the Way of God (Households in Zahedan)

Morteza Ezzati *

Received: 2016/08//27

Parviz Nasirkhani **

Accepted: 2016/11/08

Mehrnaz Shekarzahi ***

In this Paper we attempt to analyze the effect of belief (Eiman), income, wealth, Age, education and family size on income allocation to expenditures in the way of Allah. First we construct a scale for measuring of belief. The Population of the survey is citizens of Zahedan city. For analyzing, we use the SPSS and Eviews software. The data was collected by using a questionnaire depending on 510 samples. We use regression analyses in this research. The result reveals that there is a positive relationship between the degree of belief, income and wealth with expenditures in the way of Allah and negative relationship between the family size and education with expenditures in the way of Allah. Thus belief, income, wealth, family size and education can explain expenditures in the way of Allah.

Keyword: Expenditures in the way of God, Faith, Consumer, Religiosity.

JEL: C23, E62, Z12

* Associate professor, Research Institute of Economics, Tarbiyat Modares University (Corresponding Author)
mezzati@modares.ac.ir

** Assistant Professor, Economics Department, Payamenoor University
parnasirkhani@gmail.com

*** M.A. of Islamic Economics at Payamenoor University
mtab.sh1391@yahoo.com

بر آورد تابع هزینه‌های در راه خدا (بررسی خانوارهای شهر زاهدان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

مرتضی عزتی**

پرویز نصیرخانی**

مهرناز شکرزهی***

چکیده

در چارچوب تبیین علمی رفتارهای اسلامی و برای توسعه دانش علمی اقتصاد اسلامی، آزمون‌های تجربی نقش کلیدی دارند و بدون آن‌ها علمی بودن گزاره‌ها اعتبار کافی ندارد. یکی از بخش‌های مهم نظریه‌های اقتصادی و به ویژه اقتصاد اسلامی، کردار تخصیص دارایی و پرداخت هزینه‌ها است. از دیدگاه نظری پرداخت هزینه‌های در راه خدا تابعی از ایمان، سن، درآمد و دارایی افراد همراه برخی عوامل دیگر است. این مقاله در پی آن است، تا به بررسی عوامل مؤثر بر هزینه‌های در راه خدا در یک بررسی تجربی بر پایه نظریه و آموزه‌های اسلامی بپردازد. این بررسی بر روی خانوارهای (شهروندان) شهر زاهدان است که از جامعه آماری یاد شده ۵۲۰ نمونه بررسی شده‌اند. داده‌ها با ابزار پرسشنامه و روش مصاحبه گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل، روش‌های آماری و اقتصادسنجی، (نرم‌افزارهای اس پی اس اس و ایویوز) به کار گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد: اندازه هزینه‌های در راه خدای خانوار، تابعی مثبت از ایمان، درآمد، دارایی و تابعی منفی از بعد خانوار و تحصیلات است. نوآوری‌های این مقاله بررسی تجربی در سطح خرد، وارد کردن درجه ایمان همراه با دیگر متغیرها در تحلیل تجربی و آزمون تجربی نظریه‌ها در این زمینه است.

واژگان کلیدی: هزینه در راه خدا، ایمان، مصرف‌کننده، دینداری.

طبقه‌بندی JEL: C23, E62, Z12

Mezzati@modares.ac.ir
parnasirkhani@gmail.com
mtab.sh1391@yahoo.com

* دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)

** استادیار اقتصاد دانشگاه پیام نور

*** کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه پیام نور

مقدمه

یکی از نهادهای مهمی که در اسلام مطرح شده است و به‌طور ویژه ارمغان دین خدا است، کردار در راه خدا است. هزینه کردن در راه خدا، راه‌های گوناگونی دارد. بخشی از هزینه‌های در راه خدا، هزینه برای خانواده و خود است. بخشی نیز هزینه‌هایی است که رضایت خاطر این جهانی آن برای پرداخت‌کننده هزینه، چندان نیست که او را به این کردار برانگیزاند. پرداخت‌های در راه خدا به دیگران در این دامنه است که می‌توان آن‌ها را از نمونه‌های روشن هزینه در راه خدا دانست. هر چند در این زمینه نیت پرداخت‌کننده بسیار مهم است و هنگامی این پرداخت در راه خدا است که پرداخت‌کننده برای به‌دست آوردن رضایت و پاداش خدا آن را پرداخت کرده باشد، ولی آگاهی قطعی از نیت‌ها ممکن نیست و همچنین می‌توان فرض کرد که انسان‌های با دین، این پرداخت‌ها را در راه خدا انجام می‌دهند و گرنه انگیزه‌ای برای آن نیست. دست‌کم می‌توان گفت مؤمنان چنین می‌کنند. همچنین نکته مهم دیگر اینکه از دیدگاه دینی، هزینه‌های در راه خدا به دو دسته واجب و مستحب جدا شده‌اند، به این نکته نیز توجه ویژه خواهیم داشت. با این وجود پرسش اصلی ما این است که پرداخت هزینه‌های در راه خدا در ایران تابع چه عواملی است و چه شکلی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش با توجه به نظریه‌های موجود و بررسی‌های تجربی انجام شده در زمینه هزینه‌های دینی و همچنین در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی، پرسشنامه‌ای برای سنجش ایمان و نیز گرفتن داده‌های هزینه‌های در راه خدا و برخی ویژگی‌های (عوامل) اثرگذار بر هزینه‌های در راه خدا خانوار فراهم شده است و نمونه‌ای ۵۱۰ تایی از خانوارهای شهر زاهدان انتخاب شده است. داده‌های واقعیت رخ داده سال ۱۳۹۴ خانوارها در بهار سال ۱۳۹۵ گردآوری شده و پس از پردازش داده‌ها و ساختن شاخص‌ها، برآوردها با روش اقتصادسنجی انجام شده است. نوآوری‌های این مقاله در بررسی تجربی نظریه‌های اقتصاد اسلامی با به‌کارگیری داده‌های مستقیم و ویژه این موضوع از یک جامعه آماری دارای مسلمانان شیعه و سنی ایرانی و وارد کردن داده‌های همه متغیرهای موجود در نظریه‌ها با یک نمونه معتبر آماری است که برجستگی این بررسی را به خوبی نشان می‌دهد.

در این نوشتار نخست به پیشینه نظری و بررسی‌های تجربی در زمینه هزینه‌های در راه خدا پرداخته می‌شود، سپس چارچوب نظری و متغیرها توضیح داده می‌شود. آنگاه برآورد الگو به روش داده‌های اقتصادسنجی انجام می‌شود. در پایان یافته‌های بررسی ارائه می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

هزینه‌های در راه خدا دامنه گسترده‌ای دارند و بر این پایه در ادبیات علمی با موضوع‌های گوناگونی در این زمینه روبه‌رو می‌شویم. موضوع‌هایی مانند زکات، صدقه، خمس، خیرات، وقف، فی سبیل‌الله، هزینه‌های دینی، نذر، هبه، انفاق، نفقه و مانند این‌ها. بسیاری از بررسی‌ها تنها برخی از این موارد را بررسی و تحلیل کرده‌اند. با این حال، در اینجا ادبیات را در چارچوب دو بخش بررسی‌های نظری و بررسی‌های تجربی، واکاوی می‌نماییم.

۱-۱. نظریه رفتار پرداخت کنندگان هزینه‌های در راه خدا

در اینجا بسیار کوتاه به عوامل اثرگذار بر هزینه‌های مصرف‌کننده مسلمان می‌پردازیم. در اقتصاد سنتی در زمینه تابع هزینه (مصرف) که می‌تواند مصرف در راه خدا را نیز در بر بگیرد، چند نظریه شناخته شده دیده می‌شود. می‌توان نخستین نظریه با شیوه علمی امروزی را نظریه کینز دانست که به نام نظریه درآمد مطلق^۱ نیز شناخته می‌شود. تابع مصرف جان مینارد کینز یکی از مهم‌ترین کمک‌های علمی وی به علم اقتصاد است که در سال ۱۹۳۶ در کتاب نظریه عمومی آن را مطرح نمود. دیدگاه کینز این بود که عوامل مختلفی بر تصمیمات مصرف (هزینه) اثرگذار است، اما در کوتاه‌مدت مهم‌ترین عامل اثرگذار، درآمد است (منکیو، ۱۳۷۵، ص ۴۹۹). بر پایه این دیدگاه مصرف هیچ‌گاه صفر نیست، حتی اگر درآمد صفر باشد، مصرف، حداقل ثابتی را خواهد داشت که آن مصرف ضروری برای زنده ماندن است. با افزایش درآمد، نسبت افزایش مصرف از افزایش درآمد کمتر است (بختیاری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹).

در این راستا پیگو برای توجیه اختلاف مصرف با درآمدهای برابر، اثر دارایی افراد را طرح می‌کند و می‌گوید افزون بر درآمد، دارایی نیز بر اندازه هزینه اثر دارد. جیمز

دوزنبیری در سال ۱۹۴۹ مدلی ارائه کرد که به نظریه درآمد نسبی^۲ شناخته می‌شود. بر پایه این دیدگاه رفتار مصرفی افراد با یکدیگر ارتباط دارد و مصرف افزون بر درآمد به طبقه اجتماعی نیز بستگی دارد (رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹). طبقه اجتماعی می‌تواند با درآمد، تحصیلات، شغل و مانند آن‌ها تعیین شود.

میلتون فریدمن در سال ۱۹۵۷، برای توجیه رفتار مصرف‌کننده نظریه درآمد دائمی^۳ را ارائه کرد. این دیدگاه کامل‌کننده الگوی چرخه زندگی مودیگیلانی است. هر دو این‌ها این دیدگاه را ارائه می‌کنند که درآمد مردم در سال‌های مختلف متفاوت است (منکیو، ۱۳۷۵، ص ۵۲۵).

مودیگیلانی و ریچارد برامبرگ^۴ در سال ۱۹۴۰ میلادی دیدگاهی ارائه کردند که پس از دیدگاه فریدمن از سوی آندو^۵ و مودیگیلانی در سال ۱۹۶۳ کامل شد و با نام نظریه سیکل زندگی^۶ شناخته می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۴۴). بر پایه این دیدگاه رفتار مصرفی و درآمدی مردم در طول عمر نیز در چگونگی آن مؤثر است. براساس نظریه آندو و مودیگیلانی، جریان درآمدی فرد، در آغاز زندگی و دوره کهنسالی کم و در دوران میانی عمر بیشتر است، ولی سطح مصرف در تمام دوران زندگی روند افزایشی اندکی دارد، یعنی فرد در اوایل عمر با قرض‌کردن و در اواخر عمر با استفاده از مازادهای دوران میانی عمر، مصرف خود را در اندازه نیاز نگه می‌دارد (شریف، ۱۳۸۷، ص ۷۷) بر این پایه سن نیز یک عامل مهم برای درآمد و هزینه است.

در زمینه نظریه رفتار مصرف‌کننده با رویکرد اسلامی دیدگاه‌هایی از سوی اندیشمندانی همچون قهف (قهف، ۱۹۷۳، صص ۱۰-۱۳) در زمینه هزینه برای زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ، فهیم خان (فهیم خان، ۱۹۹۲، صص ۸۲-۶۸) درباره نوع مصرف، انس زرقا^۷ (زرقا، ۱۹۹۲، صص ۱۱۲-۱۰۵) در زمینه مصرف در دنیا و پاداش در آخرت و سطح‌های مصرف، عزتی (عزتی، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۳۴) درباره اثر درآمد، ایمان و سن بر هزینه در راه خدا و مانند این‌ها ارائه شده است.

بر پایه این دیدگاه‌ها، انسان در دو جهان زندگی می‌کند: این جهان و جهان پس از مرگ. این انسان باید زندگی این جهان و نیز زندگی جهان پس از مرگ خود را در این جهان تأمین کند. بر این پایه است که انسان‌های دارای ایمان به زندگی پس از مرگ،

کوشش می‌کنند نیازهای آن زندگی را نیز در این جهان تأمین کنند. بر پایه آموزه‌های اسلامی، تأمین نیازهای زندگی پس از مرگ نیازمند هزینه‌کردن از دارایی زمانی و مالی در این جهان است. بر این پایه، انسان‌های دارای ایمان دینی، بخشی از زمان و پول خود را در راه به‌دست آوردن رضایت خدا برای تأمین زندگی پس از مرگ هزینه می‌کنند. این هزینه‌ها در ادبیات اقتصادی به هزینه‌های در راه خدا شناخته می‌شود.

بر پایه جمع‌بندی از ادبیات اقتصاد اسلامی، یک عامل تعیین‌کننده در اندازه هزینه‌های در راه خدا، ایمان است و با افزایش ایمان دینی، هزینه‌های در راه خدای افراد افزایش می‌یابد (عزتی، ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۴۰). افزون بر این، هزینه‌های در راه خدا تابع درآمد و دارایی افراد است و این بخش از نظریه هزینه‌های در راه خدا مانند نظریه هزینه‌کرد در اقتصاد سنتی است (عزتی، همان، صص ۱۱۶-۱۱۷). همچنین تعداد اعضای خانوار می‌تواند موجب افزایش هزینه‌های زندگی این جهان و در نتیجه کاهش مانده دارایی برای هزینه کردن در راه خدا باشد. افزون بر این، دانش و آگاهی از آموزه‌های دینی می‌تواند موجب افزایش کردار در راستای این آموزه‌ها شود. البته این به معنای آن نیست که هر آموزش دینی موجب افزایش کردار می‌شود. زیرا برخی کردارهای نادرست می‌تواند با آگاهی از آموزه‌های درست دینی، بازبینی شود و گاهی نیز با آموزه‌های انحرافی، کردارهای درست دینی کاهش می‌یابد (عزتی، همان، ۱۶۱-۱۸۰). بر این پایه اگر بپذیریم تحصیلات بر آگاهی‌های افراد می‌افزاید و نیز جایگاه آن‌ها را در جامعه تغییر می‌دهد، می‌توان گفت تحصیلات موجب اثرگذاری بر نگاه افراد به موضوع‌ها و رفتارها شود و هزینه‌های زندگی این جهان و زندگی پس از مرگ را تغییر می‌دهد.

۲-۱. نگاهی به بررسی‌های تجربی در زمینه هزینه‌های در راه خدا

کیاء الحسینی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در ایران با داده‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۷۵ به برآزش تابع زکات برای خانوارهای شهری در هر دهک هزینه‌ای پرداخته است. الگوی برآوردی وی چنین است:

رابطه (۱)

$$\ln(q_i) = \alpha - \beta \frac{1}{y_i} + \delta(w) - \lambda(p_1)$$

که در آن $\ln(q_i)$ لگاریتم هزینه دینی واقعی متوسط یک خانوار شهری در هر دهک هزینه‌ای (درآمدی)، (y_i) هزینه کل واقعی متوسط یک خانوار شهری در طی سال (به‌عنوان تقریبی از درآمد سالانه خانوار)، که با شاخص قیمت سال پایه ۱۳۶۹ تعدیل شده است، (w) متغیر موهومی برای سال‌های جنگ تحمیلی و (p_1) نرخ تورم است. شکل برآورد شده الگو به صورت زیر است:

رابطه (۲)

$$q_i = e^{\alpha_i - \frac{1}{613770/75} y_i + 1/27 W - 0/00114 p_1}$$

در این مدل ضریب درآمد، جنگ و نرخ تورم برای تمام نه دهک هزینه یکسان بوده و تفاوت‌ها تنها در عرض از مبدأ است. با توجه به ضریب متغیر w نتیجه دیگر این است که در زمان جنگ، تابع پرداخت هزینه‌های دینی به اندازه $e^{1/27}$ به سمت بالا منتقل شده است. همچنین تورم بر هزینه‌های مذهبی اثر منفی داشته است. نتایج برآوردها کشتش‌های درآمدی هزینه‌های دینی برای متوسط این دوره را به ترتیب برای دهک‌های دوم تا دهم ۲/۱، ۱/۹۱، ۱/۸، ۱/۶۵، ۱/۴۳، ۱/۲۳، ۱، ۰/۸۳ و ۰/۵ نشان می‌دهد. بر این پایه هزینه‌های مذهبی برای دهک‌های دوم تا هفتم لوکس و برای دهک‌های بالای درآمدی ضروری تشخیص داده می‌شود.

عزتی (۱۳۸۴) در یک بررسی تجربی به تحلیل رفتار مصرف‌کننده مسلمان و برآورد تابع هزینه‌های دینی با گردآوری داده‌ها با پرسشنامه پرداخته است. جامعه آماری، خانوارهای تهرانی هستند که سرپرست آن‌ها در مناطق مرکزی شهر شغل آزاد دارند. نمونه آماری ۵۰۰ عضو از این جامعه و انتخاب آن خوشه‌ای تصادفی بوده است. در این بررسی، هزینه‌های دینی خانوار تابعی از درآمد، درجه ایمان و سن سرپرست آن در نظر گرفته شده است. برای اندازه‌گیری درجه ایمان فرد، سنج‌های بر پایه قرآن ساخته و به‌کار برده شده است. در این بررسی داده‌های گردآوری شده در چارچوب دو الگوی

خطی و غیر خطی با نرم‌افزار اس پی اس اس برازش شده است که الگوی خطی چنین است:

رابطه (۳)

$$RMC = C + \lambda p_2 + \beta p_3 + pI$$

$$RMC = -7009/99 + 80/39 p_2 + 30/6 p_3 + 0/0111I$$

که در آن RE اندازه هزینه‌های دینی خانوار به هزار ریال، p^1 ، سرپرست خانوار به سال، p^2 درجه ایمان بر پایه شاخص طراحی شده پژوهشگر و I جمع درآمد سالانه خانوار به هزار ریال است. الگوی غیر خطی نیز چنین برآورد شده است:

رابطه (۴)

$$MRC = a + bp_2^e + Cp_3^f + dI^g$$

رابطه (۵)

$$MRC = -7792/5 + (2/97 - E8)p_2^{6/095} + (2/95 - e28)p_3^{13/555} + 1038/1I^{1/717}$$

نتیجه اصلی این بررسی آن است که تابع برآورد شده گویای قابلیت مناسب تبیین الگوی تخصیص منابع مالی به هزینه‌های دینی و غیر آن است.

داورزنی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به برآورد تابع انگل برای هزینه‌های دینی پرداخته است. او قابلیت استفاده این تابع را برای هزینه‌های دینی آزمون کرده است. برای این کار نخست بحث نظری مربوط به هزینه‌های دینی را مطرح و سپس رابطه درآمد و هزینه‌های دینی را به صورت تجربی و با استفاده از داده‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استان و به روش داده‌های تابلویی آزمون و ارزیابی می‌کند. الگوی انتخابی وی برای خانوار شهری خطی و به صورت زیر است:

رابطه (۶)

$$R^2 = 0.61$$

$$Cocn = 817/614 + 0.002807Inen + 0.904Kc + 4887.85D_1$$

در این الگو Cocn هزینه‌های دینی سرانه شهری، Inen متوسط هزینه‌های کل سرانه شهری، Kc شاخص قیمت کالاها و خدمات و D1 متغیر موهومی برای تفکیک

استان‌های با سواد زیادتر و کم‌تر است.

الگوی انتخابی وی برای خانوار روستایی نیز خطی و به صورت زیر بوده است:
رابطه (۶)

$$R2=0.78$$

$$Covn = 437.28 + 0.0044 Invn + 12666.5D_2$$

که در آن $Covn$ متوسط هزینه‌های دینی سرانه روستایی، $Invn$ متوسط هزینه‌های کل سرانه روستایی و D_2 متغیر موهومی برای تفکیک استان‌های کشور به باسواد و کم‌سواد است. کشش درآمدی این هزینه‌ها برای خانوار شهری و روستایی ۰/۵ است. نتیجه اصلی تحقیق، تأیید وجود رابطه بین هزینه‌های دینی با درآمد اما نه به صورت متداول و با شیب کاهنده (صفرشونده) بلکه با شیب غیرکاهنده می‌باشد.

کیاء الحسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای دیگر با عنوان عوامل مؤثر بر هزینه‌های دینی دهک‌های درآمدی خانوارهای شهری ایران به بررسی همین موضوع با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوارهای شهری برای سال‌های (۱۳۶۱-۱۳۸۴) پرداخته است. وی مدل خود را به صورت زیر برآورد می‌نماید:

رابطه (۷)

$$R2=0.75 \quad DW=1.$$

$$RR = e^{7/747+0/000000301RY+0/2007N+1/309D-0/019P_1}$$

که در آن RY درآمد (هزینه) کل سالانه خانوار در هر دهک درآمدی، N بعد خانوار در هر دهک درآمدی، D متغیر مجازی جنگ و P_1 نرخ تورم است. او در پایان به محاسبه کشش درآمدی هزینه‌های دینی پرداخته است که برای دهک‌های اول تا ۱۰ به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۳۴، ۰/۴۲، ۰/۴۸، ۰/۵۷، ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۱/۰۸، ۱/۳۷ و ۲/۲۴ به دست آمده است. نتیجه اصلی این بررسی آن است که هرچه خانوارهای شهری پردرآمدتر باشند به ازای ۱ درصد افزایش درآمد، درصد بیشتری از آن را به هزینه‌های دینی اختصاص می‌دهند.

موسایی (۱۳۸۷) نیز در بررسی تجربی در چند شهر کشور رابطه بین اسراف و

اعتقاد به اسراف را بررسی کرده و رابطه آن را منفی یافته است. این بررسی با به‌کارگیری پرسشنامه و گردآوری داده‌ها به شیوه میدانی انجام شده است.

عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) در مقاله برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق، به برآورد اثر بهبودها و نابسامانی‌های بازارها بر انفاق پرداخته‌اند. برای این کار تلاش شده است اثر برخی متغیرهای اصلی اقتصادی جامعه بر انفاق برآورد شود. اثر متغیرهای درآمد (تولید) که نشانه بهبود اقتصاد است، شمار واحدهای دینی که نشان‌گر اندازه بازارهای جانشین انفاق مالی از مسیر کمیته امداد برای انفاق‌گر هستند، بیکاری و تورم که نابسامانی بازار کار و بازار کالاها و خدمات را نشان می‌دهند و هزینه‌های دولتی که تزریق به جامعه را نشان می‌دهد در مدل وارد شده است. این کار با روش داده‌های ادغام شده اقتصادسنجی و به‌کارگیری داده‌های استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۰ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که انفاق تابع مثبت درآمد سرانه استانی و هزینه‌های استانی دولت و تابعی کاهنده از تعداد نهادهای دینی جایگزین و تابعی کاهنده از تورم و بیکاری به‌عنوان عامل نابسامانی اقتصادی می‌باشد.

عزتی و شفیعی (۱۳۹۳) در مقاله برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران به بررسی اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق (انفاق بلاعوض به غیر) با توجه به آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند. با توجه به بررسی‌های نظری و تجربی انجام شده در زمینه هزینه‌های دینی و انفاق و همچنین در نظر گرفتن قواعد اسلامی و محدودیت‌های آماری، متغیرهای اندازه بازار مالی، درآمد، ثروت، سن سرپرست خانوار و سرمایه دینی به‌عنوان متغیرهای توضیحی انتخاب شده‌اند. تابع مورد نظر به روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. داده‌های مورد استفاده، داده‌های استان‌های کشور برای سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ می‌باشند. این بررسی نشان می‌دهد: تابع انفاق به صورت تابعی نمایی می‌باشد، اندازه بازار مالی، درآمد سرانه استانی، سن، ثروت و سرمایه دینی در ایران اثر مثبت بر انفاق دارند.

صادقی، عزتی و شفیعی (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر انفاق و رفتار تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند و تابع انفاق در ایران را به صورت تجربی تخمین زده‌اند. در این بررسی با توجه به مطالعات نظری و تجربی انجام شده در زمینه

هزینه‌های دینی و مالیات‌های اسلامی و همچنین در نظر گرفتن قواعد اسلامی و محدودیت‌های آماری، متغیرهای درآمد، دارایی، سن سرپرست خانوار و سرمایه دینی به‌عنوان متغیرهای توضیحی انتخاب شده‌اند. تابع مورد نظر به روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برآورد شده است. داده‌های مورد استفاده، داده‌های کلان و میانگین‌گیری برای خانوار برای استان‌های کشور در سال ۱۳۸۶-۱۳۷۹ می‌باشند. این بررسی نشان می‌دهد: تابع انفاق به صورت تابعی نمایی می‌باشد و تابعی فزاینده از درآمد سرانه استانی، دارایی و سرمایه دینی می‌باشد.

لشکری و مهرپارسا (۱۳۹۴) در یک بررسی تجربی میان شهروندان سبزوار، رابطه ایمان با هزینه‌های دینی را بررسی کرده‌اند. این بررسی یک بررسی میدانی با بهره‌گیری از پرسشنامه خلاصه شده و گزینش برخی پرسش‌های بررسی‌های دیگر انجام شده است. یافته اصلی این بررسی آن است که اثر ایمان بر این هزینه‌ها مثبت است.

عزتی و قربانزاده (۱۳۹۴) به برآورد اثر سرمایه دینی روی مصرف کالاها و خدمات ضروری و تجملی در جامعه شهری ایران در چارچوب چند مدل برای هر بخش از هزینه‌های خانوار پرداخته‌اند. در این پژوهش کوشش شده است تا اثر سرمایه دینی بر روی اندازه مصرف کالاهای ضروری و تجملی برآورد شود. داده‌های مصرف برای این پژوهش از نتایج آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار شهری (که هر ساله از سوی مرکز آمار ایران گردآوری می‌شود) به‌دست آمده است. مدل‌های این پژوهش با روش داده‌های تابلویی اقتصادسنجی برای استان‌های کشور برای دوره زمانی ۹۱-۱۳۸۲ برآورد شده است. نتیجه به‌دست آمده نشان‌دهنده آن است که سرمایه دینی می‌تواند بر چگونگی مصرف خانوارها و تخصیص بودجه آن‌ها به کالاهای تجملی و ضروری اثر بگذارد. با این وجود کار تجربی دیگری که در دسترس باشد در زمینه اثر ایمان در ایران و کشورهای اسلامی انجام نشده است.

۲. چارچوب نظری و متغیرهای مدل

با توجه به بررسی‌های نظری و تجربی انجام شده در زمینه هزینه‌های دینی و همچنین در نظر گرفتن قواعد اسلامی، چارچوب نظری این بررسی دربرگیرنده متغیرهای ایمان

دینی، درآمد، دارایی، سن سرپرست خانوار، بعد خانوار و تحصیلات به عنوان متغیرهای توضیحی است و متغیر وابسته هزینه‌های در راه خدای خانوار است. متغیرهای یاد شده را تعریف می‌کنیم.

۱-۲. هزینه در راه خدا

به صورت ساده می‌توان گفت هزینه در راه خدا می‌تواند شامل همه پرداخت‌هایی که فرد نسبت به افراد و جامعه انجام می‌دهد، در نظر گرفت که برخی از پرداخت‌ها و خدمات ثبت و محاسبه می‌شود، ولی برخی دیگر بدون ثبت هستند. از آنجا که در آمارهای گردآوری شده از سوی مرکز آمار و دیگر سازمان‌ها، داده‌های کامل و درستی فراهم نمی‌شود. برای گردآوری این‌گونه داده‌ها بهترین شیوه، گردآوری مستقیم داده‌ها با پرسشنامه است. بر این پایه در این بررسی کوشش شده است داده‌های هزینه‌های در راه خدا در چارچوب پرسشنامه طراحی شده برای این بررسی، گردآوری شود. با استناد به بررسی‌های کیاء الحسینی (۱۳۷۹)، عزتی (۱۳۸۴) و کیاء الحسینی (۱۳۸۸) در پرسشنامه طراحی شده، داده‌های هزینه‌های زیر با هم جمع شده‌اند تا اندازه متغیر هزینه‌های در راه خدا را بسازند.

- کمک به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی داخل کشور،
- کمک به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی یا جنگ‌های خارج کشور،
- زکات تولیدات،
- زکات فطره،
- خمس،
- کفاره، رد مظالم، اجرت نماز و پرداخت‌های مشابه،
- صدقه‌های پرداختی یک سال،
- بخشیدن مال و پرداخت کمک بلاعوض به دیگران (فامیل و غیر فامیل)،
- کمک به مؤسسه‌های خیریه (خصوصی و عمومی) و جشن‌های نیکوکاری،
- کمک به نهادهای دیگر (ستادهای نماز جمعه، هلال احمر و ...)،
- کمک به هیئت‌ها، تکیه‌ها، حسینیه‌ها و نهادهای مشابه و مراسم دینی،

- کمک به مساجد و کمک و نذر برای اماکن متبرکه،
- هزینه‌های دیگر مانند این‌ها که در بالا نیامده است.

۲-۲. درآمد

چنانچه در پیشینه نظری یاد شد، یکی از عامل‌های مهم اثرگذار بر هزینه‌های این جهان و نیز هزینه‌های در راه خدا، درآمد است. برابر نظریه‌های اقتصادی هر چه درآمد بیشتر باشد هزینه‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین برابر آموزه‌های اسلامی، زکات و بیشتر پرداخت‌های دینی تابعی مثبت از درآمدها هستند و برخی از مالیات‌ها نیز مشروط به رسیدن درآمد به یک حد نصاب است. این‌گونه پرداخت‌ها می‌تواند موجب شود تابع هزینه در راه خدا کاهنده نباشد و حتی گاهی با افزایش درآمد، فراینده نیز باشد. بر این پایه انتظار است با افزایش درآمد، هزینه‌های در راه خدا (هزینه‌های دینی) افزایش یابد. در این بررسی درآمد سالانه فرد برای سال ۱۳۹۴ پرسش شده و ملاک دانسته شده است. انتظار است این درآمد هم هزینه‌های این جهان را افزایش دهد و هم هزینه‌های در راه خدای فرد را افزایش دهد. از آنجا که در بیشتر بررسی‌ها نشان داده شده است، افراد اطلاعات درآمدهای دیگر خود را بیان نمی‌کنند، در اینجا دو پرسش برای درآمد پرسیده شده است: یکی درآمد و دیگری درآمد به‌دست آمده از همه‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها و هر دو به‌عنوان متغیر توضیح‌دهنده در مدل آورده شده‌اند.

۲-۳. دارایی

چنانچه در پیشینه نظری یاد شد، یکی دیگر از عامل‌های اثرگذار بر اندازه هزینه‌های هرکس، دارایی او است. از این میان هزینه‌های در راه خدا نیز هزینه است و تابع دارایی او است و انتظار می‌رود با افزایش دارایی، هزینه‌های فرد و همچنین هزینه‌های در راه خدای او نیز افزایش یابد. چون اندازه‌گیری دقیق دارایی دشوار است، در بیشتر بررسی‌ها، دارایی ملکی و مسکن، نماینده و معیار دارایی گرفته می‌شود. چون در اینجا ارزش‌گذاری دارایی ملکی نیز دشوار است، متراژ زیربنای خانه فرد، نماینده دارایی او دانسته شده است و آن را در چارچوب متغیر وارد مدل می‌کنیم. این متغیر می‌تواند از

میان متغیرهای گوناگون، نماینده بهتری برای دارایی باشد. زیرا در ایران واحد مسکونی، مهم‌ترین بخش دارایی بیشتر افراد را تشکیل می‌دهد.

۲-۴. سن سرپرست خانوار

بر پایه پیشینه نظری، از دیگر عامل‌های اثرگذار بر هزینه‌ها، سن است. درباره هزینه‌های دینی گفتنی است که در آموزه‌های دینی به پاداش جهان پس از مرگ نگاه ویژه‌ای شده است و نظریه چنین می‌گوید که هر چه سن بالاتر باشد، فرد خود را به مرگ، زندگی پس از مرگ و مجازات و پاداش خدا نزدیک‌تر می‌بیند و کوشش بیشتری برای تأمین آن زندگی می‌کند، در نتیجه هزینه در راه خدای بیشتری انجام می‌دهد. در این بررسی سن فرد پرسش شده و عدد آن در جایگاه متغیر نشان‌دهنده سن در مدل آورده شده است.

۲-۵. ایمان

بر پایه نظریه رفتار اقتصادی اسلامی، ایمان یک عامل مهم اثرگذار بر هزینه‌های در راه خدای خانوار است. هر چه ایمان بیشتر باشد، هزینه‌های در راه خدا بیشتر می‌شود. بر این پایه یک عامل مهم در بررسی ما ایمان است و آن را در جایگاه متغیر توضیح‌دهنده در مدل آورده‌ایم. اندازه‌گیری ایمان یکی از چالش‌های پژوهش‌ها در این زمینه است. بر این پایه ما در این زمینه به سنجش اتمکا می‌کنیم که برای این کار ساخته شده است و از آن برای اندازه‌گیری ایمان دینی استفاده می‌کنیم. این سنجش از سوی عزتی (۱۳۸۴) ارائه شده است. ویژگی‌های پایه‌ای این مقیاس عبارتند از: استناد به قرآن در تشخیص ویژگی‌های مؤمن، استفاده از روش خودگزارش‌گری و شیوه اندازه‌گیری ایمان که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

الف. اتمکا به نص صریح قرآن

در طراحی مقیاس سنجش اندازه ایمان دینی مسلمانان، برای ایجاد انطباق بیشتر و روشن‌تر با پایه‌های دینی اسلام، کوشش شده است با مراجعه به قرآن کریم، ویژگی‌های مؤمن (و ایمان) روشن شوند. ویژگی‌های استخراج شده از قرآن بر پایه این بررسی‌ها،

ملاک سنجش اندازه ایمان قرار گرفته است. برای سنجش هر یک از این ویژگی‌ها و ابعاد آن، پرسش (یا پرسش‌هایی) طراحی شده که در چارچوب یک پرسشنامه کلی قرار گرفته است. این پرسش‌ها ۴۷ تا بوده است و به علت اینکه بیشتر پاسخگویان در سن جوانی هستند، یک پرسش درباره حضور در جبهه جنگ (با عراق) از آن کنار گذاشته شده است و پرسش‌ها ۴۶ تا هستند.

ب. روش خود گزارش‌گری

از آنجا که ایمان به معنی اطمینان و تصدیق قلبی است و هیچ‌کس جز خود فرد به درون او آگاه نیست، ناچار هستیم برای اندازه‌گیری آن نزد هر فرد به خود افراد رجوع کنیم. به این منظور ویژگی‌های استخراجی برای ایمان در قالب پرسش‌هایی گنجانده شد که پاسخ آن‌ها نشان‌دهنده اندازه این ویژگی‌ها برای فرد است. هر چند ممکن است در روش خودگزارشگری اشکال‌هایی باشد، ولی در این‌گونه کارها بهترین روش است. بر این پایه پرسشنامه به افراد موضوع بررسی داده شده است تا پاسخ‌های آن را ارائه کنند و برای اینکه در مضیقه قرار نگیرند، بدون نشانی و مشخصات خود از راه پست به نشانی از پیش مشخص شده (بر روی پاکت‌های تهیه و تحویل شده به پاسخگو) ارسال کنند.

پ. اندازه‌گیری ایمان

چنانچه اشاره شد در این پژوهش، پرسشنامه طراحی شده برای پژوهشی در زمینه رابطه ایمان با هزینه‌های در راه خدای افراد، به‌کار برده شده است. اعتبار و روایی این پرسشنامه به صورت کامل مدنظر بوده است و می‌توان به آن اتکا کرد. این پرسشنامه شامل ۴۶ پرسش مستند به آیات قرآن است. مبنای اندازه‌گیری ایمان هر فرد، پاسخ‌های ارائه شده از سوی او به پرسش‌های پرسشنامه تحویلی به او است. برای آسان کردن پاسخگویی برای هر پرسش، سه تا شش گزینه پاسخ مشخص شد و در برابر هر پرسش قرار گرفت. گزینه‌های پاسخ از طیف کاملاً موافق (یقین دارم، کاملاً درست است و مانند این‌ها) تا کاملاً مخالف (اعتقاد ندارم، هیچ، کاملاً غلط و مانند این‌ها) را در بر می‌گیرند. برای اندازه‌گیری ایمان به هر یک از گزینه‌ها از نمره یک تا پنج (و در

چند پرسش - حالت‌های ویژه - نمره‌های متفاوت) بر پایه بیشترین انطباق ویژگی با ایمان تا کمترین آن، داده شد. اندازه ایمان هر فرد حاصل جمع نمره اختصاصی به پاسخ‌های همه پرسش‌های پرسشنامه می‌باشد (مانند روش حاصل جمع نمره‌گذاری لیکرت). بر پایه شیوه نمره‌گذاری انجام شده برای پرسشنامه، کمترین اندازه ایمان هر فرد می‌تواند نمره صفر و بیشترین آن می‌تواند نمره ۱۸۰ باشد. این دامنه، گستردگی خوبی دارد و قابلیت جداسازی خوبی را ایجاد می‌کند. البته باید تأکید کرد که این ملاک برای سنجش رتبه‌ای ایمان ساخته شده است و برای این نوع پژوهش‌ها مناسب است.

ت. پایایی پرسشنامه

برای سنجش پایایی پرسشنامه طراحی شده برای مقیاس اندازه‌گیری ایمان، همراه با آزمون‌های پرسشنامه‌ها، آماره‌های آزمون پایایی اندازه‌گیری شد. آزمون‌های گام نخست و دوم پایایی از سوی طراح پرسشنامه انجام شده بود که معناداری خوبی را برای پرسشنامه ارائه کرده‌اند. با این وجود در این بررسی نیز پس از گردآوری داده‌ها، آزمون انجام شد که نتیجه آن نیز معناداری خوبی را نشان می‌دهد. اندازه آماره‌های آزمون با ۵۱۰ نمونه برای پرسشنامه ۴۶ پرسشی اندازه‌گیری ایمان دینی ویژه مسلمانان، نشان می‌دهد آلفای کرونباخ ۰/۹۳۴ (استاندارد شده ۰/۹۵۴)، ضریب آلفای دو نیمه ۰/۸۸۵ و ۰/۹۲۵ و آماره F آن عدد ۳۷۱ است. نتیجه این آزمون‌ها نیز پایایی پرسشنامه را تأیید می‌کند.

۲-۶. بعد خانوار

بر پایه نظریه‌های گفته شده، یکی از عوامل اثرگذار بر هزینه‌های خانوار، تعداد اعضای خانوار است. هرچه تعداد اعضای خانوار بیشتر باشد، هزینه‌ها زندگی این جهان خانوار افزایش می‌یابد. بر این پایه با افزایش هزینه‌های زندگی این جهان، می‌توان انتظار داشت توان خانوار برای هزینه‌های در راه خدا کاهش بیابد و این هزینه‌ها کاسته شود. بر این پایه تعداد اعضای خانوار می‌تواند توضیح‌دهنده‌ای برای هزینه‌های در راه خدای خانوار باشد و ما نیز این متغیر را وارد مدل می‌کنیم.

۲-۷. تحصیلات

چنانچه در پیشینه نظری یاد شد، آموزش می‌تواند دانستنی‌های افراد را افزایش بدهد. هنگامی که دانستنی‌ها افزایش می‌یابد، بر روی تصمیم آن‌ها اثر می‌گذارد. اگر این دانستنی‌ها در راستای توجیه دینی باشد، می‌تواند هزینه‌های در راه خدا را افزایش دهد و اگر نباشد می‌تواند اثر دیگری داشته باشد. همچنین تحصیلات می‌تواند نشانه‌ای برای طبقه اجتماعی باشد که بر پایه نظریه، یک عامل اثرگذار بر رفتار مصرفی است. بر این پایه ما متغیر سطح تحصیل را که کیفی است با دادن عدد به هر مقطع تحصیلی از صفر تا ۷ به ترتیب برای بی‌سواد، دارای سواد غیررسمی، زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی و بالاتر، این متغیر را شمارشی کرده و در مدل آورده شده است.

۳. برآورد الگو

در این بخش کوشش می‌شود تا به برآورد عوامل اثرگذار بر پرداخت هزینه‌های در راه خدا پرداخته شود و تابع آن به صورت تجربی تخمین زده شود.

۳-۱. معیارهای انتخاب تابع برآورده مناسب

از میان توابع مختلف باید تابعی را انتخاب کنیم که معیارهای یک تابع برآورده مطلوب را داشته باشد. در انتخاب یک تابع مطلوب باید سه اصل را در نظر داشت:

الف- سازگاری نظری

هزینه در راه خدا گونه‌ای هزینه و سرمایه‌گذاری برای بهره‌مندی از منافع آن در آخرت است که دارای شرایط خاصی است. نخست اینکه تابعی مثبت از درآمد می‌باشد، یعنی تابع تخمینی باید همواره دارای شیب مثبت نسبت به درآمد باشد. دوم اینکه اگر تابع دارای شیب فزاینده باشد نیز با آموزه‌های دینی سازگارتر است. البته این بدان معنا نیست که تابع باید شیب فزاینده داشته باشد.

ب- قابلیت تفسیر

مردم جامعه ایران مسلمان هستند و انتظار می‌رود رفتارهای آن‌ها مطابق نظریه

اسلامی باشد. می‌توان گفت دست‌کم، بیشتر مردم این جامعه رفتارهای دینی خود را تا حدودی یا به‌طور کامل انجام می‌دهند. از این‌رو نتیجه باید با آنچه بر پایه نظریه انتظار می‌رود در جامعه وجود داشته باشد، سازگار باشد. البته مقدار عدد و ضریبی که برآورد می‌شود برای بررسی این مسئله مهم است و اگر این مقدار با وضعیت جامعه منطقی به‌نظر برسد، الگو قابل قبول خواهد بود.

ج- نتیجه آماری الگو

در اقتصادسنجی چند آماره اصلی مانند F ، t و R^2 ، آماره‌های سنجش اعتبار الگو و ضریب‌های آن هستند. در الگوهای برآورد شده، الگویی برتر دانسته می‌شود که آماره‌های آن نشانه‌های بهتری باشند. البته مسئله‌هایی مانند خودهمبستگی، هم‌خطی نباید در داده‌ها و الگو وجود داشته باشد که برخی از آن‌ها با استفاده از داده‌های مقطعی برطرف می‌شوند.

۲-۳. متغیرهای الگو

متغیرهای به‌کار رفته در این توابع به صورت زیر تعریف می‌شوند:

RC = هزینه‌های در راه خدا

RF = ایمان

SEN = سن سرپرست خانوار

DAR = درآمد خانوار

$DARS$ = درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری غیر شغلی

ZIR = زیر بنای واحد مسکونی به‌عنوان نماینده دارایی

TK = تعداد اعضای خانوار

TA = سطح تحصیل.

۳-۳. برآورد الگوی اصلی

برای این بررسی دو نوع تابع آزمون شده است. نخست تابع هزینه‌های در راه خدای خانوار که به صورت خطی در رابطه ۱ آمده است. متغیرهای مدل مانند آن چیزی است

که در بالا آورده شده است.

رابطه (۸)

$$RC = \mu_i + \beta_1 RF + \beta_2 SEN + \beta_3 DAR + \beta_4 DARS + \beta_5 ZIR + \beta_6 TK + \beta_7 TA$$

این مدل خطی است. می‌دانیم که بیشتر رابطه‌های متغیرهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند غیرخطی باشد. بر این پایه یکبار هم این مدل را به صورت لگاریتمی زیر ساخته‌ایم و برآورد می‌کنیم. برتری مدل لگاریتمی آن است که ضریب‌های برآوردی نشان‌دهنده کشش تغییرات متغیر وابسته به ازای تغییر متغیر توضیح‌دهنده است.

رابطه (۹)

$$LRC = \mu_i + \beta_1 LRF + \beta_2 LSEN + \beta_3 LDAR + \beta_4 LDARS + \beta_5 LZIR + \beta_6 LTK + \beta_7 LTA$$

نتیجه برآورد این دو مدل در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱: نتیجه برآورد تابع هزینه‌های در راه خدا

شماره	متغیر توضیح‌دهنده	الگوی نخست: خطی		الگوی دوم: لگاریتمی	
		ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
۱	عرض از مبدأ	-3926100.37	-0.929	-15.3725	-6.655
۲	RF	220745.18	7.551	1.36298	4.263
۳	SEN	-458062.26	-5.298	-1.43009	-3.903
۴	DAR	0.149	7.522	1.28396	10.701
۵	DARS	0.630	12.642	0.26375	4.393
۶	ZIR	36762.22	5.821	0.6862	4.931
۷	TK	-1131262.81	-2.516	-0.397786	-1.754
۸	TA	-2956020.97	-5.898	-0.512755	-2.822
	آماره R ²	0.466		0.637	
	آماره R ² تعدیل شده	0.459		0.620	
	آماره F	62.65		38.09	
	آماره دوربین واتسون	1.752		1.747	

منبع: یافته‌های تحقیق

الگوی نخست (رابطه ۸)، تابع هزینه‌های در راه خدا را به صورت یک تابع خطی برآورد می‌کند. این مدل از نگاه کلی دارای ضرایب معنادار و آردو خوبی است. هر چند آردو حدود ۴۶ درصد است، ولی این آردو برای داده‌های مقطعی به ویژه داده‌های سطح خرد و گردآوری شده با پرسش‌نامه پذیرفتنی است و به معنای آن است که این

مدل و متغیرهای آن ۴۶ درصد تغییرهای هزینه‌های دینی را توضیح می‌دهند. متغیرهای وارد شده در مدل نیز در چارچوب ضرایب خود اثر معناداری بر هزینه‌های در راه خدا دارند. آماره F نیز نشان‌دهنده آن است که می‌توان به این مدل اعتماد کرد.

ضریب متغیر ایمان مثبت است و از معناداری خوبی برخوردار است و به معنای آن است که با هر یک واحد افزایش در درجه ایمان افراد (بر پایه این سنجه) ۲۲۰۷۴۵ ریال هزینه‌های در راه خدای آن‌ها افزایش می‌یابد. این ضریب با نظریه سازگار است. ضریب سن منفی و معنادار است ولی با نظریه غالب که افزایش سن را عامل افزایش هزینه در راه خدا می‌داند (با فرض ایمان اثرگذار) ناسازگار است. در اینجا ممکن است این نتیجه را با شرایط ویژه منطقه که افراد دارای سن بالا از درآمد کمتری برخوردارند توجیه کرد و شاید اثر آن بر این متغیر منتقل شده است. یادآوری می‌شود که با حذف این متغیر، معناداری ضرایب‌های دیگر تغییر چندانی نداشته است.

چنانچه گفته شد برای درآمد دو متغیر در مدل آورده شده است: یکی درآمد اصلی و دیگری درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها. هر دو این متغیرها در مدل معنادار شده‌اند. اثر درآمد اصلی بر هزینه‌های در راه خدا مثبت و معنادار است و نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰۰ ریال افزایش درآمد اصلی، ۱۴۹ ریال هزینه در راه خدای افراد افزایش می‌یابد. این نتیجه با نظریه سازگار است. اثر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها نیز مثبت و معنادار است، ولی اثر آن بیشتر از اثر درآمد اصلی است و این می‌تواند نشانه‌ای برای فزاینده بودن اثر درآمد بر هزینه‌های در راه خدا باشد. چون این درآمد مازاد بر درآمدهای معمول خانوار است. متغیر نماینده دارایی نیز اثر مثبت و معناداری بر هزینه‌های در راه خدا دارد و این نیز با نظریه سازگار است. متغیر تعداد اعضای خانوار نیز اثر منفی معناداری بر هزینه‌های در راه خدا دارد که با نظریه سازگار است. بر این پایه می‌توان گفت افزایش تعداد اعضای خانوار موجب کاهش هزینه‌های در راه خدای آن دارد. متغیر تحصیلات نیز بر هزینه‌های در راه خدا اثر منفی معناداری دارد. این ضریب نشان‌دهنده آن است که تحصیلات به علت‌های گوناگونی موجب کاهش هزینه‌های در راه خدا شده است. یا آگاهی افراد را افزایش داده و این هزینه‌ها را درست نمی‌دانند، یا آموزش آن‌ها با آموزه‌های دینی سازگاری ندارد، یا متغیر دیگری

که نمی‌بایست وارد مدل شده است. با این وجود نتیجه این برآورد می‌تواند نشان دهند رابطه معنادار میان متغیرهای یاد شده و متغیر وابسته باشد.

الگوی دوم (رابطه ۹)، تابع هزینه‌های در راه خدا را به صورت یک تابع نمایی (یک تابع همواره با شیب افزایشی) برآورد می‌کند. این تابع از نگاه آماره F معنادار است و از نظر آردو حدود ۶۳ درصد تغییرهای متغیر هزینه‌های در راه خدا را توضیح می‌دهد. بر این پایه از این نگاه بر مدل خطی برتری دارد. همچنین ضریب‌های برآورد شده در این مدل معنادار هستند و علامت آن‌ها مانند علامت ضریب‌ها در مدل خطی است. پس می‌توان گفت این مدل برتر است. بر پایه نتیجه این مدل:

به ازای هر یک درصد افزایش در اندازه ایمان سرپرست خانوار (با این سنجه)، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۱/۳۶ درصد افزایش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در سن سرپرست خانوار، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۱/۴۳ درصد کاهش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در درآمد اصلی سرپرست خانوار، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۱/۲۸ درصد افزایش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خانوار، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۰/۲۶ درصد افزایش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در اندازه مسکن (نماینده دارایی) خانوار، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۰/۶۹ درصد افزایش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در تعداد اعضای خانوار، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۰/۴۰ درصد کاهش می‌یابد.

به ازای هر یک درصد افزایش در اندازه سطح تحصیلات سرپرست خانوار (با این شاخص)، هزینه‌های در راه خدای خانوار ۰/۵۱ درصد کاهش می‌یابد.

چنانچه گفته شد درآمد و سن همبستگی دارند. برای بررسی رابطه متقابل این دو، یک‌بار به جای این دو متغیر، متغیر دیگری را که از حاصل ضرب این دو متغیر ساخته شده است وارد مدل می‌کنیم تا اثر متقابل را نیز ببینیم. این مدل به دو شکل خطی و لگاریتمی برآورد شده است و نتیجه دو برآورد در جدول ۲ آورده شده است. این نتیجه

نشان می‌دهد که این دو متغیر اثر متقابل دارند، ولی با آوردن متغیر اثر متقابل، توضیح‌دهندگی و خوبی برازش مدل کاسته شده است. بر این پایه همراه اینکه اثر متقابل پذیرفته شده است. مدل با متغیرهای جداگانه برازش بهتری را نشان می‌دهد. یادآوری می‌شود وارد کردن همزمان متغیرهای سن و درآمد با اثر متقابل آنها، مدل را از نظر آماری دچار مشکل می‌کند و ارزش برآورد را کاهش می‌دهد، همراه اینکه در این شرایط مدل لگاریتمی را نیز نمی‌توان برآورد کرد.

جدول ۲: نتیجه برآورد تابع هزینه‌های در راه خدا با اثر متقابل درآمد و سن

شماره	متغیر توضیح‌دهنده	الگوی نخست: خطی		الگوی دوم: لگاریتمی	
		ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
۱	عرض از مبدأ	-8804839	-2.080	-14.017	-5.452
۲	RF	174880.4	5.910	1.095	3.091
۳	S D	0.692	13.524	0.793	7.808
۴	DARS	35540.06	5.385	0.309	4.632
۵	ZIR	-2525939	-4.831	0.793	5.136
۶	TK	-1795690	-3.969	-0.441	-2.175
۷	TA	0.0012	3.832	-0.958	-4.114
۸	آماره R ²	0.416		0.543	
	آماره R ² تعدیل شده	0.410		0.525	
	آماره F	59.84		30.32	
	آماره دوربین واتسون	1.728		1.773	

منبع: یافته‌های تحقیق

بر این پایه همان مدل‌های جدول ۱ برآوردهای خوبی برای این بررسی هستند.

جمع‌بندی

دیدیم در تحلیل عوامل اثرگذار بر هزینه‌های در راه خدای خانوار، تابع خطی می‌تواند وجود این رابطه را نشان دهد. ولی تابع لگاریتمی دو طرفه از توضیح‌دهندگی بهتری برای این رابطه برخوردار است. بر این پایه با نگاه به ضریب اثر ایمان بر هزینه‌های در راه خدا که بیش از یک است، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش ایمان، افزایش هزینه‌های در راه خدا فزاینده است. یعنی با هر یک درصد افزایش ایمان بیش از یک درصد هزینه‌های در راه خدا افزایش می‌یابد. همچنین اثر سن سرپرست خانوار و نیز

درآمد اصلی خانوار که با افزایش یک درصد به سن سرپرست خانوار بیش از یک درصد هزینه در راه خدا افزایش می‌یابد و با افزایش درآمد اصلی نیز چنین می‌شود. ولی با افزایش درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های افراد، افزایش هزینه‌های در راه خدا به نسبت بسیار کمتری انجام می‌شود. این می‌تواند به این علت باشد که سهم درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری افراد در کل درآمدها بسیار اندک است و این موجب کاهش اثرگذاری درصدی آن در افزایش هزینه‌های در راه خدا شده است. نکته مهم این است که نسبت درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری افراد در غیر شغل اصلی، حدود $20/3$ درصد درآمدهای شغل اصلی است، و نسبت کاهش درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری افراد در تابع هزینه‌های در راه خدای خانوار نیز درست برابر $20/3$ است. یعنی درآمدهای افراد از هر دو راه به یک نسبت در هزینه‌های در راه خدا اثر دارند. یک برداشت دیگر این است که افرادی که از دارایی‌های خود سرمایه‌گذاری برای به دست آوردن سود می‌کنند با افرادی که این‌گونه بهره‌برداری از دارایی خود ندارند با برابری دیگر شرایط، هزینه‌های در راه خدای برابری دارند و سرمایه‌گذار شدن آن‌ها موجب کاهش توجه به کردارهای در راه خدا و پرداخت هزینه در راه خدا نشده است و با افزایش درآمد به همان نسبت غیر سرمایه‌گذارها، در راه خدا هزینه می‌کنند.

از سوی دیگر درصد افزایش در دارایی ملکی مسکونی موجب افزایش هزینه در راه خدا می‌شود، ولی چون این دارایی موجب جریان درآمدی برای خانوار نمی‌شود (البته کاهش هزینه دارد، ولی کمتر از ارزش سرمایه‌ای آن) اثر کمتری بر افزایش هزینه‌های در راه خدا دارد. هرچند این دارایی نشان‌دهنده همه دارایی‌های افراد نیست ولی توانسته است توضیح‌دهندگی نسبی دارایی‌های افراد را در مدل نشان دهد و روشن کند که افراد دارا تر هزینه در راه خدای بیشتری دارند.

تعداد اعضای خانوار می‌تواند هزینه‌های خانوار را افزایش دهد. تردیدی نیست که با افزایش هزینه‌های زندگی این جهان با ثابت بودن دیگر شرایط، مانده دارایی برای هزینه کردن در راه‌های دیگر کاهش می‌یابد و این موجب می‌شود هزینه‌های در راه خدای افراد کاهش پیدا کنند. گرچه این رابطه به یک اندازه نیست و این را می‌توان در اندازه ضریب نیز دید که $0/4$ است و به معنای آن است که با افزایش 100 درصد در

تعداد اعضای خانوار تنها ۴۰ درصد از هزینه‌های در راه خدای خانوار کاهش می‌یابد. نکته دیگر اینکه تحصیلات دانشگاهی و حوزوی بیشتر، موجب کاهش هزینه‌های در راه خدا شده است. این نکته به دو صورت توجیه می‌شود. یکی اینکه با افزایش تحصیلات جایگاه افراد در جامعه (شان) بالاتر می‌رود و این موجب افزایش نیاز هزینه‌ای می‌شود. در نتیجه هزینه‌های زندگی این جهان را افزایش می‌دهد و با ثابت بودن دیگر شرایط و افزایش هزینه‌های زندگی این جهان، مانده دارایی برای پرداخت در راه خدا کاهش می‌یابد. از سوی دیگر ممکن است با افزایش دانش و آگاهی‌های افراد برخی باورهای نادرست درباره برخی هزینه‌ها کنار گذاشته شود و در نتیجه علت‌های پرداخت برخی از این هزینه‌ها از میان برود و این هزینه‌ها که در دامنه هزینه‌های در راه خدا جای داده می‌شد کاهش بیابد. همچنین در این زمینه ممکن است آموزش‌های داده شده به‌گونه‌ای بوده باشد که دورکننده انسان‌ها از پرداخت‌های در راه خدا باشد. با این وجود در حالت خوش‌بینانه‌تر اثر تحصیلات بیشتر، می‌تواند در بالابردن هزینه‌های زندگی این جهان اثر داشته باشد و از این‌رو هزینه‌های در راه خدا را کاهش داده باشد.

نتایج سیاستی

یکی از راه‌های حل برخی مشکلات اقتصادی - اجتماعی که دین برای جامعه به ارمغان آورده است، پرداخت هزینه‌های در راه خدا است. هزینه‌های در راه خدا که از سوی افراد پرداخت می‌شود به شدت به باور به خدا و جهان پس از مرگ وابسته است. اگر ایمان به دینی نباشد این هزینه‌ها انجام نخواهد شد. بر پایه تحلیل انجام شده در این بررسی دیدیم که افزون بر ایمان به دینی که در بر گیرنده ایمان به خدا، زندگی پس از مرگ، وحی، پیامبری، غیب، فرشتگان، حساب و کتاب و بهشت و دوزخ است، درآمد، دارایی، تعداد اعضای خانوار، تحصیلات و عوامل دیگر نیز اثرگذار هستند. بر این پایه می‌توان از این برآوردها به این نتیجه رسید که راه‌های افزایش کردارهای در راه خدا در زمینه پرداخت‌های مالی، می‌تواند تقویت ایمان دینی، افزایش

آگاهی‌های دینی و آموزش درست، بهبود وضعیت درآمدی و اقتصادی جامعه و مانند این‌ها باشد. این یافته‌ها تأکیدی بر این نکته هستند که برای بهبود شاخص‌های اسلامی اقتصاد باید از روش‌ها و ابزار علمی اقتصاد در زمینه ویژه اقتصاد اسلامی بهره برد و از بیراهه رفتن و انجام کارهای کم‌نتیجه و پرهزینه پرهیز کرد. انسان‌های مسلمان علاقمند به هزینه کردن دارایی در راه خدا هستند. آنچه مهم است سیاست‌گذاری درست و به‌کارگیری ابزار علمی در این زمینه است که این علاقمندی را به تحقق برساند.

الف. در نظام توزیع درآمد اسلامی با هم‌جهت شدن انگیزه‌های فردی و اجتماعی از راه دین، همچنین با توجه به اصل کفالت همگانی (اصل اخوت و مسئولیت افراد نسبت به همدیگر در جامعه واحد بشری) و با اختیاری (انفاقات مستحبی) عمل کردن بخش اعظم انفاق، از طرفی باعث افزایش انگیزه به کار و تلاش و افزایش سطح تولید در جامعه می‌شود و از طرفی دیگر باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود. بنابراین با پیاده‌سازی اصول نظام توزیع درآمد اسلام در جامعه می‌توان باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر در جامعه شد.

ب. افزایش ایمان دینی، باعث افزایش انفاق می‌شود. بر این پایه با افزایش ایمان دینی (با سیاست‌گذاری علمی در زمینه دین) نزد افراد جامعه به‌ویژه پر درآمد‌ها و ثروتمندان، می‌توانیم موجب افزایش انفاق شویم.

ج. کاهش درآمدی هزینه‌های در راه خدا مثبت می‌باشد، بنابراین با ترویج فرهنگ انفاق، می‌توان باعث کاهش فقر و رفع نیازهای اجتماعی و همگانی شد.

یادداشت‌ها

1. Absolute Income Hypothesis
2. Relative Income Hypothesis
3. Permanent Income Hypothesis
4. Bramberg
5. Ando
6. Lifecycle Hypothesis
7. Mohammad Anas Al Zarqa

- بختیاری، صادق (۱۳۸۴). اقتصاد کلان، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
- داورزنی، زهره (۱۳۸۳). برآورد تابع انگل برای مخارج مذهبی خانوارهای شهری و روستایی ایران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد) دانشگاه مفید، تهران، ایران.
- رحمانی، تیمور (۱۳۸۳). اقتصاد کلان، تهران: برادران، چاپ ششم، جلد دوم.
- شفیعی (۱۳۹۰). برآورد تابع انفاق در ایران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد) دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- صادقی، حسین؛ عزتی، مرتضی و شفیع، علی (۱۳۹۲). تخمین تابع انفاق در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۳، ش ۲.
- صدیقی، محمد نجات‌اله و دیگران (۱۳۷۵). مباحثی در اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، ترجمه حسین صادقی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی دانشگاه تربیت مدرس.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۲). اثر ایمان مذهبی بر رفتار مصرف‌کننده، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش. ۱۱، پاییز، صص ۲۲-۵.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۸). اثر سرمایه مذهبی بر مصرف، مجموعه مقالات اصلاح الگوی مصرف، قم: نشر اندیشه جوان، صص ۳۹۵-۳۶۷.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۴). اقتصاد خرد ۳: تحلیل رفتارهای اقتصادی در چارچوب اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۴). تخمین تابع مخارج مذهبی (مخارج در راه خدا) مسلمانان، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۸، تابستان، صص ۸۹-۱۱۵.
- عزتی، مرتضی و شفیع، علی (۱۳۹۲). برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۶.
- عزتی، مرتضی و شفیع، علی و نجفی، محدثه (۱۳۹۰). اثر سرمایه مذهبی بر توسعه فعالیت‌های قرض‌الحسنه در کشور، همایش نقش بانکداری اسلامی در تأمین مالی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، آذر.
- عزتی، مرتضی و قربانزاده، شیوا (۱۳۹۵). برآورد اثر سرمایه دینی روی مصرف کالاها و خدمات ضروری و تجملی در جامعه شهری ایران، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۶۱، بهار، صص ۳۲-۵.
- عزتی، مرتضی و نورمحمدلو، پروانه (۱۳۹۱). برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۲۰، ش ۶۳، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین (۱۳۷۹). برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در ایران، قم: نامه مفید، ش ۹، صص ۱۱۵-۸۹.

- کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین (۱۳۸۹). برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در ایران، قم: فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش. ۳۵، پاییز، صص ۲۱۶-۱۹۳.
- لشکری، محمد و مهرپارسا، زکیه (۱۳۹۳). بررسی اثر ایمان به خدا بر رفتار مصرف‌کننده، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، بهار و تابستان، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- منکیو، گریگوری (۱۳۸۵). اقتصاد کلان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسایی، میثم (۱۳۸۷). تأثیر اعتقاد به منع اسراف در مخارج مصرفی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۶.
- Kahf, Mohammad Monzer, (1973). *A Contribution to the Study of the Economics of Islamic*; Utah U.S.A. : Univ. of Utah, S.L.C.
- Khan, Mohammad, Fahim, (1984) macro consumption function in Islamic framework, *journal of research in Islamic economics*, Vol.1, No.2.
- Siddighi, M.N. etal. (1992). *Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective*; Malaysia: Longman.
- Zarqa, Mohammad Anas, (1992). *A Partial Relationship in a Maslim's Utility Function; Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective*; Malaysia: Longman.

